

## Chambre D'accusation هیئت اتهامیه

### در حقوق جزائی فرانسه

در نتیجه اعتراضی که طبق ماده ۱۳۵ بعمل آمده بدادگاه اتهامیه مراجعه شده باشد دادگاه میتواند تا هر اندازه که تحقیقات ادامه یافته باشد تجدیدنظر نموده و میتواند قاضی تحقیق را از کار باز داشته و مستقیماً بتحقیقات ادامه دهد و قاضی که تحقیقاتی بواسطه صدور قرار منع تعقیب خاتمه یافته و کار قطعی شده باشد و اعتراضی بعمل نیامده باشد میتواند مجدداً تجدید نظر کرده و تحقیقات را تجدید کند و ای این در صورتی است که اتهامات دیگری بمتهم نسبت داده شود.

۳ - امری که راجع بآن تحقیقی بعمل نیامده است - بالاخره هیئت اتهامیه میتواند رأساً و قاضی که هیچ تحقیقی شروع نشده است دستور تحقیقات بدهد ولی وقتی مبادرت باین موضوع مینماید که یکی از شرایط ذیل انجام شده باشد بایستی یا در امری که بهیئت مزبور مراجعه شده است اثر جنایت یا جناحه که تحقیقی راجع بآنان نشده باشد پیدا کند و یا اینکه مدعی العموم استیناف تقاضای رسیدگی کرده باشد.

۴ - فرض ماده ۳۵۰ - ماده ۲۵۰ فرض مخصوصی را پیش بینی میکند و آن این است که گرچه دادگاه جناحه یا خلاف در امری مشغول رسیدگی باشد اگر هیئت اتهامیه ملاحظه کرد که قضیه مورد بحث جنبه شدیدتری دارد یعنی جرمی است از نوع جنایت مثلاً می تواند کار را از دادگاهی که باشتباه رسیدگی میکند انتراع کرده و بدادگاه صالح مراجعه دهد در نمره ۲۰ گفته خواهد

دادگاه اتهامیه میتواند برحسب تقاضای مدعی العموم یا رأساً و یا برخلاف تقاضای مدعی العموم استیناف دستور تحقیقات صادر نماید و قاضی که بدادگاه اتهامیه یا بر حسب تقاضای مدعی العموم استیناف یا بوسیله ارسال اوراق ومدارک کار طبق ماده ۱۳۳ یا ۱۳۵ کار مراجعه شد میتواند تمام کاری که انجام شده است تجدیدنظر کند و تمام تحقیقات را انجام دهد و حتی میتواند تعقیباتی را که شروع نشده است شروع کند تنها فرقی که در این مورد دادگاه اتهامیه با هیئت عمومی شعب استیناف دارد این است که هیئت عمومی شعب استیناف بمدعی العموم استیناف دستور تعقیب میدهند و حال آنکه دادگاه اتهامیه نمیتواند دستور تعقیب صادر کند مگر آنکه کار بدادگاه مزبور مراجعه شده باشد.

۱۳ - موردی که در ماده ۲۳۵ پیش بینی شده است.

۱ - تحقیقات راجع باشخاصی که کارشان بدادگاه اتهامیه مراجعه نشده است هر قدر دامنه اختیاراتی که بماده ۲۳۱ دادگاه اتهامیه داده است وسیع باشد اختیارات خود را فقط درباره اشخاصی که کارشان بدادگاه مزبور باقرار قاضی تحقیق احاله نده میتواند اعمال نماید بنابراین اگر در ضمن انجام وظیفه برخورد باینکه شخصی که بایستی در قضیه احاله شده جزء متهمین باشد قلمداد نشده یا اینکه نسبت باو قرار منع تعقیب صادر گردیده است مکلف است تجدید نظر نماید.

۲ - امری که در جریان تحقیقات است یا اینکه بواسطه صدور قرار منع تعقیب ختم شده است - و قاضی که کار

ابتدائی شهر . . . . . بر علیه . . . . . متولد در . . . . . مورخه . . . . .  
 ۱۸۸۰ شغل روز نامه فروش ساکن . . . . . که فعلاً در توقیف  
 است نظر باینکه از اوراق پرونده دلائل کافی بر علیه . . . . .  
 بدست میاید که در . . . . . مقداری وجه نقد بضرر زید . . . . .  
 سرقت کرده و این قضیه در شب در منزل مسکونی یا معد  
 برای سکنی اتفاق افتاده و یا شکستن حرز انجام شده و  
 جنایت مزبور تطبیق با مواد ۳۷۹ و ۳۸۱ و قسمت ۴  
 ماده ۳۸۴ و ۳۸۶ قانون مجازات عمومی میکند نظر  
 بمواد مذکوره فوق و ماده ۲۳۱ و ۲۳۲ قانون اصول  
 محاکمات جزائی از هیئت اتهامیه تقاضا دارد که اتهام  
 زید را ثابت دانسته و قضیه را بدادگاه جنائی احاله .

۱۷ - متهم و مدعی خصوصی حق دارند یادداشت  
 بدهند. در ظرف مدت ده روز که مدعی العموم استیناف حق  
 دارد پرونده را تنظیم و بهیئت اتهامیه تسلیم کند مدعی  
 خصوصی و متهم حق دارند هر یادداشتی در موضوع قضیه  
 بفرستند ولی این یادداشت ها بنایستی باعث تأخیر کار بشود  
 (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۲۱۷ قسمت ۲)  
 از این ماده چنین نتیجه میشود که در هیچ مورد مدعی -  
 العموم استیناف مجبور نیست بانتظار وصول یادداشت های  
 مزبور کار را بیش از مدت ده روز بتأخیر اندازد و حتی گفته  
 شد که ملازم نیست خاتمه مدت ده روز را نیز انتظار داشته  
 باشد در عین حال که قانون بمتهم و مدعی خصوصی حق داده است که  
 یادداشت هائی بدهند قانون بآنها حق نمیدهد که تقاضا کنند  
 پرونده بآنها ابلاغ شود بالاخره تا وقتیکه متهم تحت استیضاح  
 رئیس هیئت اتهامیه واقع نشده نمیتواند درخواست کند که پرونده  
 باو ابلاغ شود ولی نباید چنین نتیجه گرفت که ابلاغ پرونده  
 بمتهم غیر ممکن است و قطعاً بایستی از تسلیم پرونده امتناع  
 نمود اگر اصولاً پرونده همیشه برای متهم محرمانه است  
 قانون هم نمیگوید که تخلف از این قاعده عملیات قضائی را باطل  
 مینماید و اجازه تسلیم پرونده همیشه بامدعی العموم استیناف  
 است ماده ۲۱۷ مدعی العموم را مجبور نمی کند که متهم  
 و مدعی خصوصی را از تسلیم پرونده به هیئت اتهامیه  
 مستحضر دارد ، ناتمام ش ، امیر علائی

شد که تحت چه شرایطی میتواند مبادرت باین امر نماید و  
 از این اختیار خود استفاده کند .

### قسمت سوم

## طرز جریان کار و اخذ تصمیم

### ۱ - قواعد کلی

۱۵ - چطور کار بهیئت اتهامیه مراجعه میشود -  
 در مورد ارجاع کار بهیئت اتهامیه طرز مراجعه بیک طریقه  
 انجام میگردد خواه بوسیله قرار قاضی تحقیق  
 کار مراجعه شود و یا اینکه بوسیله اعتراض طرفین دعوا  
 (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۱۳۳ و ۱۳۵)  
 در هر دو مورد فوق اوراق و مدارک کار را مدعی العموم  
 استیناف در ظرف پنج روز پس از وصول تنظیم نموده و  
 در ظرف پنج روز بعدی بهیئت اتهامیه تسلیم مینماید (قانون  
 اصول محاکمات جزائی ماده ۲۱۷) - تمایل مقنن بر این  
 است که مدعی العموم استیناف که در مدت ده روز مقرر کار  
 را بجریان اندازد ولی بدیهی است اگر اتفاقاً در ظرف مدت  
 ده روز مزبور این عمل انجام نشد میتواند بعداً هم بفرستد  
 و همچنین قبل از انقضاء مدت ده روز هم میتواند از هیئت  
 اتهامیه تقاضای رسیدگی نمود بمحض اینکه پرونده برای  
 مراجعه بهیئت اتهامیه بپار که استیناف و اصل گردید در دفتر  
 مخصوص پار که ثبت میشود و سپس بوکیل عمومی استیناف  
 مراجعه میگردد و بالاخره همین و کلاء عمومی هستند که  
 در تحت نظارت مستقیم مدعی العموم استیناف پرونده مراجعه  
 نموده و بررسی میکنند (فرمان ۶ ژویه ۱۸۱۰ ماده  
 ۴۵) وکیل عمومی کار را تحت مذاقه قرار داده و توضیحات  
 لازمه را کسب میکند و سپس تقاضانامه کتبی خود را تهیه می  
 نماید و بعد از تنظیم تقاضا نامه پرونده امر را برای رئیس  
 هیئت اتهامیه میفرستد .

۱۶ - تقاضانامه کتبی - تقاضانامه کتبی لازم نیست  
 حتماً شامل شرح قضیه بوده باشد و عموماً بصورت ذیل تنظیم  
 می گردد:

مدعی العموم استیناف پاریس نظر باوراق تحقیقیه دادگاه